

بلای بی نام گرانی

به برکت رژیم نیکبار شاه حاکمیت مردم چین ساواند از او بیرون است و آنها امنیت ندارند... آموختن ندارند... بهین است ندارند... نسکنند از آن... حقوقی رنج میزنند... سالها است گرانی آنها را بشوهد آورده است... اکنون بر گرانی و کمبانی کالاها صوری زوزانه نیز افزوده شده است... قیمت اجناس بیروزه اجناس مورد نیاز عمومی مانند گوشت حیوانات... میوه... میوه... چای... قند... و شکر... اجاره خانه و غیره... بطور سرنام... آوری بالا میروند... در حالی که دستمزد کارگران و زحمتکشان... حقوق آموزگاران و کارمندان... جز دولت در سطح ثابتی باقی مانده است... مردم همین ماله بوجمتان زندگی خود... و خانوار خود را سرهم میگرداند... اکنون در چنان تنگنا قرار گرفته اند که حتی تهیه نان خالی... و سکونت در یک اتاق کوچک نیز از توانایی آنان بیرون است... این نان خالی... هضم مدتی است که بیاب شده است... به آسانی بدست نیاید... بطوریکه که روزنامه ها میگویند اجاره خانه... تا ۳۰ درصد در آمد خانوار... و هزارا می بلعد...

برای شما "مفدل" میکنند که گرانی و کمبانی بدیده و جهانی است... درست است گرانی و تورم نتیجه بحران اقتصاد و مالی و پولی دنیای سرمایه داری است... اما در کشورهای پیشرفته کارگران و زحمتکشان برای بهبود وضع زندگی خویش در برابر گرانی عکس العمل نشان میدهند و سرمایه داران و دولت را به افزایش دستمزد ها و حقوق ها و لو افزایش نه در سطح افزایش قیمت ها و امید دارند... اما در ایران مبارزه کارگران و زحمتکشان برای افزایش دستمزد و ناچیز بوجمتان تورم و وحشی سرکوب میشود... وزارت کار در برابر افزایش سریع قیمت ها و برای تسکین کارگران و عده هائی در زمینه افزایش دستمزد ها میدهند ولی طرف دولتمسال اخیر این وعده ها هم بر روی کاغذ باقی مانده و هیچ اقدام عملی صورت نگرفته است... در دستمزد کارگران اکنون قریب یک پنجم درآمدی است که برای حداقل زندگی یک خانواده سه تا چهار نفری لازم است... شما میبینید که گرانی و کمبانی اجناس صوری عمومی به علت افزایش درآمد مردم و افزایش صرف است... شاهنوکران حلقه بگوش اگر دروغ بگویند وضع ورشکسته اقتصاد کشور وضع رقت با مردم را چگونه توجیه کنند... اکثریت ننگنده... مردم ایران را کارگران و دهقانان تشکیل میدهند... که مطابق ارقام رسمی دستمزد ماهیانه آنها از نصیب توپان تجاوز نمیکند... وضع دهقانان بهرابت از اینهم رقت بار تر است... با این مبلغ که قریب نیمی از آن هم بابت اجاره خانه میزور چگونه میتوان از حداقل زندگی برخوردار بود... تا چه رسد از افزایش صرفی...

رژیم ایران برای مبارزه با گرانی و کمبانی دست بیگانه رشته اقداماتی کرده است... نخست به "تعمین و تثبیت قیمت ها" در سطح عمومی فروشی و خرده فروشی پرداخت... اما صاحبان سرمایه قبل از اعلام نرخ دولتی بر قیمت واقعی اجناس خود افزودند تا علیرغم "تثبیت قیمت ها" آنها را گرانتر بفروشند... بر حسب قیمت واقعی میتوانند مفید باشند... قیمت ها بالا باشد... ولی وقتی نرخ ها بالا است تنها هیچ فایده ای ندارد... بلکه بقیل مردم گران فروشی را به صورت مطوع... ریاری... (کیهان ۱۳ فوریه ۱۳۵۷) سپس برای مبارزه با گرانی فروشی و تسلیلاتی برای وارد کالا های صوری مانند گوشت و گندم... کوزه... پنیر... تخم مرغ... میوه... قند... و شکر... و غیره... فراهم آورد... بقیه در صفحه ۴۲

به توفان کمک مالی بوسانید

دست امپریالیسم آمریکا از ویتنام کوتاه!

امپریالیسم آمریکا در جنگ تجاوزکارانه و طولانی خسارت علیه خلق ویتنام ویتنام و بجا و شکست مقتضایان کردید و مجبور شد ارتش خود و افسار خود را از این کشور فراقوانیست معذک از مطامع نواستعماری خود نسبت به ویتنام جنوبی دست بردارند و قصد باز با دست نوکر و فادان خود تیمو این کشور را تحت نفوذ و استیلای خویش بکشند... امپریالیسم آمریکا و نوکر پست آن در سایه کین مجبور شد معاهده آتش بس با ویتنام را امضا کند ولی در عقیده آنها نسبت به ادامه جنگ تغییر روی صورت نگرفت... اکنون امپریالیسم آمریکا بر اساس بدترین نیکسون عمل میکند... او در تلاش است که حالت جنگ را همچنان در ویتنام حفظ کند... تا بخیال خود... بیرون زمان نیرو های انتظامی را از ویتنام جنوبی "ریشه کن سازد"... تشدید عملیات جنگی در راه های اخیر نیز نتیجه تشدید مدخله امپریالیسم آمریکا است... امپریالیسم آمریکا موافقت نامه آتش بس با ویتنام را امضا کرد لکن نه تنها از اجرای آن سر باز زد بلکه علنا و بی پروا به نقض آن پرداخت... بنا بر مواد این معاهده امپریالیسم آمریکا موظف گردید ارتش خود را از ویتنام بیرون بکشد... پایگاه های نظامی خود را بر چینی و از هرگونه مدخله در امور داخلی این کشور احتراز جوید... اما آمریکا بجای برچیدن این پایگاه ها آنها را بجهان صورت به سایه کین منتقل ساخته ارتش خود را بیرون برد ولی تمام اسلحه و تجهیزات این ارتش را برای سایه کین باقی گذاشت... به اینهم اکتفا نکرد... بلکه نظامی خود را همچنان به سایه کین ادامه داد... تعداد زیادی از نظامیان خود را به هشت مشاوران غیر نظامی در آنجا حفظ کرد... بر حسب تعداد آنها نیز افزود... بقسی که اکنون تعداد آنها به بیش از ۲۰ هزار نفر میرسد و همین ها هستند که امروز نقشه های عملیات جنگی بخاطر توسعه منطقه زیر نفوذ تپورا طرح باداره و رهبری میکنند... در اوایل سال جسامی نیکسون برای سایه کین از کنگره قریب یک طیار و نیم دلار کسک نظامی خواست یعنی تقریباً در برابر یک سال گذشته... روشن

«پیکار» در تب اتهام زدن

روزی نیست های حزب توده ایران دشمن سر سخت کفدراسیون اند... «پیکار» آنان را ایگان اتهام زدن بدو پراکنی و ناسازگویی علیه کفدراسیون و ارگان همدستی وهم گامی با ارتجاع و سازمان امنیت ایران است... آنچه «پیکار» ارائه میدهد و کوشش دارد... در ذهن دانشجویان ایرانی فر برد چیزی نیست جز بیان خواست و اراده ارتجاع ایران مبتنی بر نابودی و انحلال کفدراسیون در لباس «مارکسیستی» و با زبان باصلاح دلجویی... «پیکار» علنا و رسماً میگوید از آنجا که ارتجاع ایران با هرگونه مبارزه تودمائی مشکوک و غلطی مبارزه میکند و سعی در شناختن مبارزین دارد... از آنجا که تورو و خفتان پیدا میکند بنا بر این باید کفدراسیون منحل شود... و بجای آن تجسس پراکنده در شهرهای دانشجویی و کار مخفی انقلابی در پیکار دانشجویان برناه عمل مبارزین قرار گیرد... آیا میتوان سه این نظر بجز بیان صریح تسلیم طلوی و کتار گذاشتن مبارزه دانشجویی چیز دیگری اطلاق کرد... آیا صرف وجود تورو و اختلاف باعث ترک سنگر مبارزه یعنی آنچه در خارج از کشور میگردد... بدون ترویج نویسنده گان «پیکار» که به تاریخ مبارزات خلق ایران و خلقهای جهان حداقل آشنائی را دارند میدانند که مبارزه بر علیه استبداد استبداد استبداد محدود رضاشاهی نمیتواند بدون کشتن قریانی انجام پذیرد... تلاش و کوشش سازمان امنیت بخاطر نفوذ در سازمان علمی و حتی خلقی امری است بدیهی و همه بر آن آگاهند... نکته اساسی آنست که آیا باید با آن مبارزه کرد یا تسلیم آن شد... رویت نیست های حزب توده راه دوم را برگزیده اند... ما بر آنیم که باید آنجهان روش ها و شیوه های بکار بست... از آنجا که کار کرد که مبارزه تمام انقلابی و عموم مردم بر علیه دستگاه حاکم در تمام سطح ممکن و با کشتن قریانی صورت پذیرد... از این مسئله که گویا سازمان امنیت در کفدراسیون میتواند نفوذ کند... نتیجه گیری منطقی میشود که بنا بر این باید با نیروی

است که این اقدامات از ریشه با مواد معاهده پاریس یعنی بر خروج ارتش آمریکا و عدم مدخله در امور داخلی ویتنام منقذات دارد... معاهده پاریس منجر است بر اینکه در ویت نام جنوبی در منطقه و دولت ویت نام وجود دارد... اما نیکسون و مقامات آمریکائی رسماً اظهار میدارند که تپو و سازمان اداراتی آن را بعنوان یگانه نماینده ویتنام جنوبی بر سر می شناسند و از آن پشتیبانی خواهند کرد... آمریکا که هنوز از مقاصد خود استخفا می خود نسبت به ویت نام چشم نهوشید... است... در شهر تپو آلت اجرای مقاصد خود را می بیند... او را بیشتر از پیش تحت حمایت خود میگیرد... هم اکنون سرورگه کمبانی های نفتی آمریکا در ویت نام جنوبی پیدا شده که با دولت پوتالیسی... سایه کین قرارداد برای اکتشاف نفت امضا کرده اند... در معاهده پاریس برای مردم ویت نام جنوبی... همسایه آزاد بیاید... دیوکرانیت محترم شناخته شده است... اما دولت پوتالیسی تپو در منطقه زیر کنترل خود رژیم تپو و اشتقاقی را بر منوال سابق ادامه میدهد... بدین ترتیب بر اثر مدخلات گستاخانه امپریالیسم آمریکا و پشتیبانی از تپو از معاهده آتش بس پاریس فقط کفد بر روی کاغذ باقی مانده است... مسئول مستقیم این وضع امپریالیسم آمریکا است که با دست عامل خود در سایه کین از اجراء مواد موافقت نامه پاریس سر باز میزند... دولت پوتالیسی سایه کین با پشتیبانی و کمک نظامی آمریکا هر روز قرارداد آتش بس را نقض میکند... تجاوز سایه کین به منطقه تحت کنترل دولت انقلابی ویت نام جنوبی و معاربان این مناطق و کشتار مردم در دفاع از می غاری و ریزه ریزه است... مطبوعات جهان و از آنجمله در خود آمریکا این تجاوزات مستمر را در اخبار خود میآورند... تپو و مقامات دیگر سایه کین هیچگاه مقاصد خود را در ناپدید کردن دولت انقلابی ویت نام جنوبی و ارتش نجات بخش آن پنهان نگردانند... به این پایه های تپو گوش دهید... بقیه در صفحه ۴۲

هر چه بیشتر و هویشاری افزودند راه نفوذ او را قطع کرد... و سایر قاطعانه کفدراسیون را بر علیه مجرمین دستگاه تعزیت نمود... نتیجه گیری رویت نیست های پیکار آن یعنی نفی مبارزه است... اگر بی خطر بودن شرط مبارزه است پس اساساً چرا باید مبارزه کرد... مگر نه آنست که مبارزه غیر غلطی و مخفی نیست... مخاطرات فراوانی در بر دارد... مگر نه آنست که تعداد پیکار از فرزندان قهرمان خلق ما که با شهادت رسیده اند و یاد بر زند انبهای محمد رضاشاه بر میزند... در اثر فعالیت انقلابی مخفی گرفتار و زخمی شده اند... آیا باید مبارزه آنان را نفی کرد... و با کوشش نمود راه نفوذ مسدود ساخت... موضوع منطق رویت نیست های بی نفی حتی مبارزه مخفی میانجامد... در واقع رویت نیست های اکنون بدیهاست که نه تنها دشمن کفدراسیون اند... بلکه مخالفت با تشکیل هرگونه سازمان دانشجویی را نیز شعار خود قرار دادند... برای اثبات نظر خویش از زمین و آسمان تار و پود تپو و سیاسی میبایند تا شاید با آن کسی را بر دام اندازند... واقعیت امر آنست که رویت نیست های از آنجهت با کفدراسیون مخالف بوده و هستند که سیاست تسلیم طلبانه آنان در میان دانشجویان چینی نماند... کفدراسیون نیز به راهی که آنان نشان میدادند یعنی تبعیت بی چون و چرا از رویت نیست های شوروی... نرفت... اگر رویت نیست های حزب توده تا این اواخر فقط مخالف کفدراسیون بودند از آنجهت بود که امید نداشتند شاید زمانی افکار آنان مؤثر افتد... کفدراسیون «میکوی» در راه دیگری پدید آید... رسوائی رویت نیست های و شکست های در پی آنان در صحنه های سیاسی این امید آنان را نیز نقش بر آب ساخت... بهبود نیست کما کون مخالف هرگز منتقل وسیع دانشجویی هستند... «پیکار» ارگان ضد دانشجویی رویت نیست های حزب توده وجود این با آن عنصر خائن و جاسوس را در کفدراسیون وسیله اتهام زدن به آن و تحطه مبارزات آن و ایجاد عدم اعتماد نسبت به رویت نیست های ساخته... بقیه در صفحه ۴۲

سلام برادرانه ما به زندانیان سیاسی!

دست امپریالیسم... بقره از صفحه ۱: کونیست هامیکوشند دولت دیگری در صورت نام جنونی بوجود آورند. آنها خواستار آزادیهای دموکراتیک اند. خواستار آزادی وقت و آمریکاییان در منطقه اند تا با تجارت آزاد و فرصت مناسب اقتصاد جمهوری ویت نام. (دولت پرتغالی سایگون - توفان) را نابود سازند. آنها همچنین خواهان مذاکرات و آزادیهای دموکراتیک و آزادی مطبوعات اند. پانینظور که بر صفوف مردم ویت نام جنونی به تبلیغات کونیستی بهره ازنند.

"نظریه ی واقعی خلق" (۱۲) باید به پر راسر کسب ریشه این سازمانهای کونیست را بر کند و از این طریق دولت را تحکیم و صلح بر حفظ کند.

از این اظهارات معلوم است که دولت پرتغالی سایگون چه نوع صلحی میخواهد و چگونه عمل میکند. صلح در قدام سایگون یعنی ادای جنگ بنظر سرکوب دولت انقلابی و ارتش نجات بخش ملی و مقامات آمریکائی نیز درست با این صلح و این طرز عمل موافقت دارند و خود آنها نیز را پانینظر امرایان موافقت نیاید. پانینظر مردمی بزرگ برای خلق ویت نام است. امپریالیسم آمریکا و تیو هیچگاه با معاهده آتش بس پانینظر موافقت نپد اشتعاند. این جنگ قهرمانانه خلق ویت نام بود که قدرت عظیم نظامی، اقتصادی و مالی آمریکا را درهم شکست و آنها را بیای میز برای امضا موافقت نامه کشاند. جای تعجب نیست اگر مقامات واشنگتن و سایگون از اجراء معاهده آتش بس سر باز میزنند. در عمل بطور مداوم آتش بس نقض میکنند.

علیرغم این واقعیات امپریالیسم آمریکا و مقامات سایگون برای آنکه مدخله نظامی خود را در ویت نام موجه جلوه دهند بپشمانه بدولت انقلابی ویت نام جنونی اتهام میزنند که کویلی موافقت نامه پانینظر نقض میکند. نماینده ایران نیز که در کمیسیون بین المللی نظارت بر آتش بس نشسته نقض رشت اجراء سیاست مدخله گرانه آمریکا را بر عهده دارد. او پیوسته علیه دولت انقلابی ویت نام جنونی و جمهوری دموکراتیک تونگ ویت نام به تحریکاتی دست میزند و با تحریکات و دستاویز خود به امپریالیسم آمریکا در عدم اجراء معاهده آتش بس بازی میسازند. از آنجا پند که شاه ایران هم جز این انتظاری نمیراند.

بلای بنام... بقره از صفحه ۱: یعنی بازم درهای کشور را بپرونی کالاهای خارجی گشود. این اقدام بجای آنکه برفع گرانای یاری رساند موجب انتقال گرانای از دیگر کشورها به کشور ما شد.

از آنها مضحک تر شوق مردم است به اینکه کمتر صرف کنند و پولهای خود را بچین اندازند. و برای آنکه این اقدام مسخره مورد استقبال واقع گردد بزنج بقره نیز ۱/۱ درصد افزودند. در واقع به مردم فقیر و تهیدست چنین ما توضیح شد که نان خالی هم کمتر بخورند و پول خود را پس اندازند. بقره مبارزه با گرانای بصورت مبارزه با گرانافروشی در آمد. در کار اقدامات فوق مسؤلیت نظارت بر تثبیت قیمتها و جلوگیری از گرانافروشی بعهده اطاق اصناف گذاشته شد. اما مردم بزودی دریافتند که اصطلاح "گوست" به "گره" سپرده شده و خود گرانافروشان را ستون مبارزه با گرانافروشی کردند (اطلاعات). این بار گرانای و گرانافروشی با اجازه اطاق اصناف صورت میگرفت.

"سپه" کمیته حمایت از مصرف کننده تشکیل دادند که "گرانافروشان" را معرفی کند.

بند بیست است هیچیک از این اقدامات مؤثر نیفتاد و نمیتوانست مؤثر واقع شود. چون عوامل گرانای و کبابی در خون

رژیم نهفته است و با این اقدامات مسخره نمیتوان از گرانای و کبابی جلو گرفت.

افزایش قیمت ها در درجه اول ناشی از آزادی بی حساب بخشی سرمایه دار و سود جو به تحصیل سود هر چه بیشتر است و رژیم ایران نه میخواهد و نه میتواند جلوی سود جوی طبقاتی را که خود در رژیم آنها نمایندند و نقد افشخ مناقب آنها است بگیرد.

برای مبارزه با گرانای باید تولید داخلی را افزایش داد. اصلاحات ارضی سیاست ضد بهداشتی رژیم عدم کله بد هفتان و بالاخره مهاجرت دهقانان به شهرها تولید کشاورزی را بوسی انحطاط سوق داد. است و در نتیجه حذف مصرف داخلی نیز تأمین نشود. رژیم ایران با وجود بربر آبر هیگفت از نفت به سرمایه گذاری لازم در رشته های کسب نیازمند بیبای مردم را بر میاورند. و از آنجمله در کشاورزی انتقال میوز. شاه برای تولید کشاورزی در خارج از کشور سرمایه گذاری میکند. ولی برای سرمایه گذاری در داخل کشور و از آن جمله در زراعت و دام پروری نه سرمایه های خارجی توسل میدهد. که نمود اثنی غیر از احتیاجات مردم در بر آید.

برای مبارزه با گرانای باید از واردات بی بند و بار جلوی گرفت. امپریالیست ها درست از راه صادرات بیشتر قیمت های گرانتر و بازی با اسحاوت تیرم خود را به کشورهای دیگر انتقال میدهند. رژیم ایران درست به استقبال قطع آن واردات و بجای افزایش تولید داخلی درهای کشور را بپسوری واردات می کشاید. طبیعی است که این سیاست هیچچیز راه جلوگیری از گرانای نیست. بزرگترین این سیاست تبهکارانه به سرمایه داران خارجی امکان میدهد که مقدار زیادی از محصولات مانده و واژه خود را به بهای گران به ایران بفروشد. نمونه بارز آن خورد گوست منجمد و بیخ زداز ارگوشه و استراب لیا است با طم به اینکه این گوستی نیست که مردم میخواهند هم اکنون یک میلیون تن گندم به قیضی براتب گرانتر از سال گذشته خریداری شده است ولی روزنامه کیهان با وقاحت تمام و برای فریب مردم مدعی است که گندم بیش از احتیاج اهالی ایران در سیلوهای کشور موجود است.

گرانای و کبابی تنها از کمبود تولید ناشی میشوند و توزیع کالاهای مصرفی نیز وضع کبابی و گرانای را در اختیار میسازد. در ایران یک مشتند لال و محترک و سلف خرد زمینخوار و نه سود جو. با تئانی با مقامات مسئول اجناس را احتکار میکنند تا آنها را با زهر گرانتر بفروشند. بیوه های خوب و بیوه های نیم شب از بازار بهجت آباد به هتل ها و زمستانهای درجه یک با قیمت زیاد فرخته میشود. سودجویان باتوجه بسبب بالا بودن قیمت و عرضه کم تند و شکر در کشورهای مجاور قد و شکر مصرفی مردم را بصورت قاچاق به این کشورها حمل میکنند. قد و شکر را محترکین و سودجویان به نرخ هر کیلو ۲۰ ریال و ۲۹ ریال میخرند و بطور قاچاق به کشورهای همسایه کبابی فروخته رسانی خود فروشی قد تا کیلویی ۵۰ ریال است میفرشند (اطلاعات ۲۱ فروردین ۱۳۵۳).

برای ریزی که سانس سرپای آنها فرا گرفته و تمام مسوول امر از شاه گرفته تا پاسیان سانه در اندیشه چاییدن مرد باند وضع توزیع محصولات نمیتواند بسود نوده های مردم باشد. فقط و غلا که در سابق پدیدهای نادر بود اکنون بلامدائی است. رژیم شاه هرچه بیشتر دوام نیاید بلای بیشتر و تازه تری به ارضان میآورد. همه راه های رهائی خلق هاغی ایران از سرنگونی رژیم شاه میگردد.

"بیکار" ... بقره از صفحه ۱: میگردد مگر ساواک تسا رهبری کفدراسیون نقد نکرده است؟ از روزی زینست ها سوال میکنیم مگر در خود حزب توده عناصر دشمن حتی مقامات بالای آن نفوذ نکرده اند؟ مگر تجربه جنبش انقلابی بارها نشان نداده است که دشمن تا کجا عناصر خود را به پیش میراند؟ "بیکار" کوشش عجیبی دارد که از وجود این عناصر و فعالیت کم و بیش آنان در کفدراسیون و ضلعای بزرگی تخطئه فعالیت کفدراسیون و ترساندن توده های جوان از کفدراسیون فرام. بسازد. "بیکار" در واقع میگردد ازین ترس ارتجاع بر کفدراسیون که نشانه حقانیت مبارزات آمنت سلاح حمله مجدد بر کفدراسیون بسازد. آنها نشانهای مگر و "خطرناک بودن کفدراسیون جلوه دهد. دو فعالیت در یک سو: ارتجاع و سازمان امنیت بنظر نفوذ در کفدراسیون و نابود ساختن آن از درون فعالیت میکند. روزی های حزب توده بزرگی اعتبار ساختن کفدراسیون و بهتر از انداختن توده های جوان از کفدراسیون و رهبری آن این درو آن تر میزند. این هر دو کوشش مکتب یکدیگرند و سیا نابودی کفدراسیون را دنبال میکنند.

"بیکار" خورجینی مالا مال از اتهامات رنگارنگ دارد که گاه توشه ای چند از آن بر میگردد. اتهام دیگر "بیکار" به کفدراسیون همان است که سازمان امنیت نیز به کفدراسیون میزند. بنا بر این اتهام "کفدراسیون نه یک سازمان تودهای است و نه در آن توده های غیر سیاسی شرکت میکنند. کفدراسیون محل تجمع گروههای چپ و وجب نمای سیاسی است. واقعیت است که در کفدراسیون توده های دانشجویی شرکت میکنند. در میان این توده ها بدون تردید دانشجویان نیز وجود دارند که تعلقات سیاسی خاصی ندارند و با تحسین متعلق به این و یا آن سازمان سیاسی اند. روزی زینست ها حزب توده بر آنند که سازمان تودهای گویا باید متشکل از توده های غیر سیاسی باشد و در آن گروههای سیاسی و بقول آنان "گروههای چپ رو" اساسا شرکت نکنند. آیا وجو

و نیروی شاه همه جا همه وقت خود را بی پرده بد افشخ مناقب امپریالیسم آمریکا و ارتجاع سیاه نشان داده است. ترویک وی در کمیسیون بین المللی نظارت بر آتش بس نیز همین سیاست را دنبال میکند. در همان موقع که صحبت از شرکت ایران در این کمیسیون بیان آمد و آمریکا و سایگون فوراً نامزدی ایران را به این مقام پذیرفتند و معلوم بود که شاه ایران به دستیار هم پالکی خود به سایگون میروید.

خلق قهرمان رستم در ده سال است با تحمل دشواریها و مصائب فراوان ایلمده بدست بخاطر استقلال و آزادی خود میجنگد و خلق قهرمان ویت نام بدست غول عظیم آمریکا را آنچنان ترس هم کردید که هنوز از زین ضربات آن قید راست نکرده است. ادایه مدخله آمریکا در ویت نام و دستاویز نکرهای وفاداران وی نیز در برابر اراده آهنین خلق درهم خواهد شکست.

چنین سازمانی "بی ضرر" خواست رژیم نیست؟ آیا درست نیست اگر بگوئیم روزی زینست ها و رژیم هر دو خواهان یک نوع سازمان توده ای هستند؟ گذشته از آن مگر روزی زینست های حزب توده فراموش کرده اند که خود آنان تا زمانی که در کفدراسیون نفوذی کم و بیش داشتند و دانشجویان وابسته و هواخواه حزب توده در سازمانهای و دانشجویی شرکت میکردند؟ از زمان کفدراسیون از نظر آنان همچنان و بدون تردید سازمان توگای بود. تجمع گروههای چپ نیز آن نیز امری درست و طبیعی و فعالیت هم مورد تصدیق حزب توده بود. درست از آن زمان که همین کفدراسیون با روش شوروی نسبت به خلقهای جهان و ایران ابراز مخالفت میکند. درست از آن زمان که روزی زینست نیروی خود را در کفدراسیون از دست میدهند و بیکاره کفدراسیون سازمانی میشود غیر تودهای محل تجمع "گروههای چپ" و "روزی زینست" ها در واقع با کفدراسیون از آن جهت مخالفتند که کفدراسیون با سیاست توسعه طلبی شوروی مخالفت دارد. اینست اساس طلب و درست بخاطر اتخاست چنین سیاست درستی است که روزی زینست های حزب توده بهیر قیض که هست و با توسل به بهانه های گوناگون سعی در تضعیف مبارزات کفدراسیون و در تخطئه آن و در سلب اعتبار توده ها از آن میکنند. برای آنان تنهایی معیار و ملاک تشخیص واقعیت و تنها یک حقیقت وجود دارد و آن تبعیت بی چون و چرا از سوسیال امپریالیسم شوروی است. هر آنکه از مناطق خلفای ایران دفاع کند و به "حرم مقدس" اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی "دست تعرض اندازد و بیرون و کینه روزی زینست ها قرار میگیرد. تمام اتهامات آنان به کفدراسیون نه بخاطر تملیزی جنبش مردم سپین ما و نه به منظور حفظ مناقب تودهای مردم بلکه بسبب تبعیت آنان از سیاست روزی زینست های شوروی و برای حفظ مناقب آنان در این تبلیغ میشوند. توده های دانشجویی نقش روزی زینست های حزب توده را بخوبی میشناسند و انقلابیون ایران آنان را همچنان افشا خواهند ساخت.

سوسیال امپریالیسم شوروی
«تا گردن در قرض»

شوروی به کشورهای دیگر بیش از مبلغ ۱۰ میلیارد دلار بد هکار است. بنا بر اطلاعات مقامات یک کشور از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ از کشورهای باختری مبلغ ۷/۲ میلیارد دلار بظنون اعتبار دریافت کرده است. بیش از ۳ میلیارد دلار کشور شوروی به اروپای شرقی و به خصوص به آلمان دموکراتیک بد هکار است.

بولتن اخبار بین المللی ۲۸ مارس ۱۹۶۴

باور نمیکنند

باور نمیکنند ولی حقیقت است در تحت توجیهات دولتی که ما بیروزانه قیامهای نجومی رسیده و کلیه کشورهای جهان را پشت سر نهادیم. اگر محمد رضا شاه بدی شود که در عرصه کرانفرمی تمام کشورهای جهان را پشت سر گذازد اما این بار حتی سخنی بدیور نمیگوید. این ادعای باور این هم خبر کیهان هوایی ۱۸ خرداد ۱۳۵۲. بقایید نور کنید و انگور کیلویی ۳۳ تومان است. فرنگی کیلویی ۲۲ تومان، کلابی کیلویی ۱۸ تومان و زرد آلو کیلویی ۱۰ تومان. سیب کیلویی ۸ تومان و طالبی کیلویی ۵ تومان.

ورشکستگی... بقیما وضعه... در ماه مردگان کارخانجات خارجی است و ۳۲۰ تومان در ماه مردگان که در تهران است یعنی چهل و شش بار زیادتر. اینکه چند سال این قدر بیچاره نداشتیم! شاه داشته و اینکه چه مدت از تا همین این کارها میگردد و از غارت منابع و استثمار کارگران و زمین خن خلق و چاه زانی شوری گشته بر همه پیشیده است. ولی همین مختصر از حقیقت و حقیقت غارت کشور و استثمار بی حد طبقه کارگر ایران توسط سرمایه گذاران خارجی و داخلی بوده و بر میآید تنها روزی که طبقه کارگر قهرمان ایران دوباره در پیشاپیش جنبش خلق قرار گیرد و دست چین سرمایه داران را از هر قفسه و از هر طبقه که باشند کوتاه کند آرزوی ما است که منابع ملی ما در اختیار ماست و از استثمار طبقه کارگر نیز سخنی در میان نخواهد بود.

از کرامات... بقیما وضعه... و تحصیلی در مدارس پر افتخار تدیس که در جهت بهبود کیفیت آموزش و اولیا اطفال با هزینه خرید اسلاید و نوارهای آموزشی را نیز تمام میکنند. در حدود دولیارد دلار برای یک برنامه آموزشی ۷ ساله برای بالابردن سطح آموزش همگانی و یکسان کردن آن در سطح کشور از طریق سیستم درسی زادی و تلویزیون و استفاده از وسائل سمعی و بصری که در مهربان پیاده خواهد شد اختصاص داده شده است. . . . انتظار می رود خرید آری و توزیع تمام دستگاههای رادیو و تلویزیون و وسائل سمعی و بصری بجهت وزارت آموزش و پرورش باشد و تا همین لوازم سبک از قبیل اسلاید ها و نوارها به نفع خود مدارس خواهد بود. (کیهان ۱۴ خرداد ۱۳۵۲)

چنانکه دیده میشود در صورتیکه انتظار برآورده شود لایق تا همین لوازم سبک که در بخشنامه ۳۰۰۰ در جزو خدمات جنبی بحساب آمده بر عهده خود مدارس است یعنی بازم از طرف اولیا اطفال باید پرداخت شود. اجتناب خرید آری دستگاههای رادیو و تلویزیون و وسائل سمعی و بصری نیز بر طرف اولیا اطفال خواهد افتاد و این پول تازه ای است که از توده مردم بعنوان بچپرد کیفیت آموزش یکسان کردن آن در سراسر کشور گرفته میشود. البته کرامات فرمان رایگان شدن تحصیل همچنین جات خانه نبی باید. بلکه گویا پدران و مادرانی هستند که مخالف تحصیل فرزندانشان میشوند و باید مجازات شوند. از روزنامه کیهان ۱۱ اسفند ۱۳۵۲ نوشت: "در اجرای صبح سریع فرمان همایونی قانون مجازات پدران و مادرانی که مانع تحصیل فرزندانشان خود شوند تعلیم پارلمان خواهد شد. آن کارگر و دهقانی که قدرت مالی پرداخت این همه وجوه را در اختیارش و باین دلیل فرزندش در مدرسه راه نمی یابد یا از مدرسه اخراج میشود باید تحت این عنوان که مخالف فرمان ملوکانه عمل کرده است مجازات شود. زهی بیخوشی!

کرامات و الطای "فرمان همایونی" حتی شامل غذای مختصری برای دانش آموزان شده است. به هریک از دانش آموزان نیم لیتر شیر و یا ماهی پروتئینی مشابه بایک قطعه نان شیرینی هر روز صبح رایگان داده میشود. در کشوری که نان مردم کباب و کران است و غذای دیگر نیازمندیهای مردم را به هیچ وجه بر نمیاورد و شیر حتی برای مقهوران و به قیمت گران پیدا نمیشود شاه به این فکر افتاد است که روزانه نیم لیتر شیر و یک قطعه نان شیرینی بطور رایگان به دانش آموزان بدهد. باید اذعان کرد که شاه در بورج سازی و عوام فریبی استاد کهنه کاری است. "رایگان شدن آموزش در ایران فریب بیش نیست. مدار غیر دولتی باقی میماند و ظرفیت کلاسها همچون سابق بیش از حد محمول است و ساختمان مدارس همان بیغوله های قدیمی است و معلمین فاقد صلاحیت لازم اند و شهره همان خواهد بود که قیلا بود و باید به طرق مختلف تحت عنوان "خدمات جنبی" به مدارس پول پرداخت شود. آموزش و پرورش در همین پنج کشیده ما همچون سایر رشته های اقتصادی و سیاسی دچار بلایه استعمارزدگی است. تنها با سرنگونی رژیم محمد رضا شاه و پیروزی انقلاب توده های خلق بر هر چه طبقه کارگر مسئله آموزش رایگان واقع و تحقق خواهد یافت.

تشدید... بقیما وضعه... بخورد مردم میدانند که نسیه تنها از خطر جنگ گرم هر روز بیشتر میگردد بلکه دوران جنگ سرد هم سپری شده و کشش بین المللی تنگی یافته و گویا دوران صلح و آرامش سر رسیده است. اگر چنین است پس ناوگان جنگی شوروی و آمریکا در هزاران کلبه متر از سوی اقیانوس هند و خلیج فارس چه میکنند؟ از عجب این است که هر دو این قدرت آرای صلح و دوستی سر میدهند ولی هریک دیگری را بر هم زنده صلح میخواند و با این زساند هیزک حضور و تقویت ناوگان خود را در اقیانوس هند لازم و ضروری قلمداد میکند. اتحاد شوروی و روسیه و جزیره دیکوگاریا به پایگاه نظامی اقدام جنگ جهانی است. مستقیم علیه صلح و امنیت تلقی میکند و آنرا قدمی خطرناک برای ابر صلح بحساب میگیرد. مقامات آمریکائی بر یک کشور حضور شوروی را تهدید می برای کشورهای این منطقه می شمارند و بر آنند که پایگاه دیکوگاریا برای حفظ و حراست کشورهای دوست آمریکا در این منطقه ضرورت دارد. شاه و این آلت اجزای سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند با صراحت از حضور ناوگان آمریکا و تید سیسیلی جزیره دیکوگاریا به پایگاه نظامی آمریکا جانبداری میکند. اگر در گذشته برای حفظ ظاهر بر آن بود که خلیج فارس را حراست دهند باید از رقابت دو این قدرت بر کارماند و امنیت آن توسط کشورهای منطقه ناامین شود و اکنون حضور ناوگان آمریکا را در اقیانوس هند ضروری می شمارد. دلایل هم امنیت کفناوگان جنگی شوروی که در اقیانوس هند لانه کرده صلح این منطقه را به خطر انداخته است او را پاسخ سوال خبرنگار روزنامه "پروانس" نیز داده و در مورد بیوروت که "آیا فکرمیکند که آمریکا باید در دریای عمان دارای نیروی نظامی باشد؟" میگوید: "پارام که بحریه روسیه در خلیج حضور نیروی دریایی بر او صحت خوشحالم که شما نیز حضور دارید."

رویزینیمت های ایرانی نیز در نیال نخست وزیر هستند بر آنند که ناوگان جنگی شوروی در اقیانوس هند بهام آورده است و گویا بخاطر آنست که امنیت کشورهای منطقه را در مقابل تجاوزات امپریالیسم آمریکا حفظ و حراست کند. شاه از یکسو و رویزینیمت های ایرانی از سوی دیگر هر کدام در دفاع از منافع از ناان خود را بر عهده گرفته اند و امنیت اینست که علیرغم اعتراض و نگرانی خلق های منطقه ناوگان امپریالیسم آمریکا و روسیالیسم امپریالیسم شوروی همچون به مدون ترین و هلاکت بارترین سلاح ها در اقیانوس هند و خلیج فارس حضور دارند و با حضور خود آرامش صلح و امنیت خلق هارا در مخاطره انداخته اند.

منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند دارای ثروت های طبیعی و انسانی عظیمی است. بنا بقصد و استناد آکادمی در ژانویه آمریکا بخش فریب اقیانوس هند حاوی قسمت اساسی است. نخورد و معدنی و کشاورزی و جنگلی و همچنین حاصلخیزترین مناطق آفریقا است. در حاشیه برز شمال غرب آن در درخت شناخته شده نفت عالم قرار دارد. بخش شمالی شامل منابع انسانی هند و بخش شرقی شامل ثروت های هند. شرقی است منطقه خلیج و اقیانوس هند دارای اهمیت استراتژیکی فراوانی است. آیا همین کافی نیست برای آنکه غارتگران این منطقه را به صحنه رقابت خود مبدل گردانند؟ امپریالیسم آمریکا و روسیالیسم امپریالیسم شوروی در این منطقه لانه گز مانند برای آنکه خود را هر چه بیشتر در کشورهای با اقیانوس هند و خلیج فارس مستقرانند باز آرای و استقلال خلق هاجلو گیرند و ثروت های طبیعی آنها را به تاراج برند. خلق های این منطقه بکرات مدعی خود را علیه حضور دو این قدرت بلند کرده باید عجزه زودتر به حضور شوم و ناامین میان آنها در اقیانوس هند خانه بختند.

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

در موقعی که کشور ما از حیث مواد غذایی و گوشت و نان و شیر و قند و شکر و میوه و غیره بشدت در ضیق است و عقل سلیم حکم میکند که از عایدات نفت که برای تهیه مواد غذایی اختصاص داده شود و اساساً شاه و دولت ایران از عایدات نفت که رقم آن باز هم افزایش یافته و به ۲ میلیارد دلار رسیده است و برای سرمایه گذاری در کشورهای خارج آنهم برای تهیه مواد غذایی استفاده میکنند و در عوض برای سرمایه گذاری در کشاورزی و دامپروری ایران از سرمایه های خارجی اقتدار میجویند.

ایران از سرمایه گذاری خارجی

شاه را با زندگی و مشکلات مردم کاری نیست. او فرمان مشاوران خارجی را گردن میسپارد. **ایران از سرمایه گذاری خارجی** **در کشاورزی و دامپروری استقبال میکند** ایران از شرکت سرمایه های خارجی در طرح های توسعه کشاورزی و دامپروری استقبال میکند و اقداماتی در جلب سرمایه های خصوصی داخلی و خارجی در رشته کشت و صنعت به آرزو شده است. مزایایی که دولت ایران برای سرمایه گذاران خارجی در رشته کشاورزی و دامپروری در ایران قائل میشود استفاده کامل از قانون حمایت سرمایه های خارجی و از جمله حق برگرداندن سرمایه و سود بکشور مبدأ سرمایه است. از مزایای دیگر در آنجا بهره که تا میزان نصف سرمایه تقاضی و وام اجاره دادن زمین قابل آبیاری به مدت طولانی و اجاره بهای ارزان و ساختمان راه های فرعی و کانالهای آبیاری مورد احتیاج بطور مجانی و اعتباری است. با بهره کم برای انجام عمل و در محصولات کشاورزی و معافیت از حقوق گمرکی برای ورود ماشین های کشاورزی و مواد خام و اولیه است. کیهان ۲۵ اسفند ۱۳۵۲

ایران برای تهیه مواد غذایی در خارج سرمایه گذاری میکند وزارت کشاورزی و منابع طبیعی برای تأمین گوشت غلات و دانه های روغنی در نظر دارد. ۵۰ تا صد میلیون دلار در سه کشور خارجی سرمایه گذاری کند. با افزایش درآمد نفت به این مبلغ نیز افزوده میشود. سرمایه گذاری صورت خرید یا اجاره اراضی و ایجاد تأسیسات و مزارع لازم برای تولید خواهد بود.

ایران برای تهیه مواد غذایی

سرمایه گذاری در کشورهای مختلف و همچنین توجه اقتصادی و فنی این عملیات از طرف وزارت کشاورزی در دست اقدام است در صورتیکه نتیجه مطالعات مهندسان مشاور و مشاوران داخلی و خارجی انجام این سرمایه گذاری را تأیید کنند بر اساس مقررات کشورهای ذیربط توافق لازم برای شرکت با سرمایه گذاری فراهم گردد. وزارت کشاورزی بلافاصله اقدامات لازم را بعمل خواهد آورد. کیهان ۲۵ دی ۱۳۵۲

رقابت دو ابر قدرت صلح جهان را تهدید میکند

تشدید رقابت دو ابر قدرت در اقیانوس هند

ای. صلح چه تبهکارها که بنام تو مرتکب نمیشوند!

در اقیانوس هند رقابت امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امپریالیسم شوروی هر روز بر شدت خود می افزاید. هر یک از دو ابر قدرت نیروی نظامی و ناوگان دریایی خود را در این منطقه افزایش میدهند و آرامش و صلح اقیانوس هند را برهنه میزنند. آینده کشورهای ساحلی این اقیانوس را در معرض تهدید قرار میدهند و شگفتا همه این کارها را بنام صلح میکنند.

یکی از صلح دم میزند ولی در پی ساختن بزرگترین پایگاه دریایی در جزیره کوچک دیکوگاریا است. دیگری دم از صلح میزند تر خالی که کشتی های او مدام آبهای اقیانوس هند را می شکافند و با آنکه اکنون حق استفاده از بنادر و تسهیلات بندری بسیاری بدست آورده است باز بسد نیال تحصیل پایگاههای بیشتر تسهیلات بندری دیگری است.

اگر واقعا این دو امپریالیسم متادی صلح اند و هدف خود ندارند جز آنکه صلح و دوستی برای خلق های این منطقه به ارمان آورند چرا به قطعنامه دسامبر ۱۹۷۱ جلسه عمومی سازمان ملل متفق رای موافق ندادند؟ چرا عزیزم انحراف خلق های ساحل اقیانوس هند از حضور خود در این اقیانوس دست برنیدارند؟ چرا شوروی "صلح طلب" هنگامی که پیشقدم تبدیل "اقیانوس هند به منطقه صلح" از جانب شرقی لانکا و کشورهای دیگر در سازمان ملل مطرح شد صریحاً اعلام کرد که "نمیواند ناوگان خود را از اقیانوس هند بیرون برد"؟ این چگونه صلحی است که باید بیروز آنرا تحمل کرد؟ چگونه صلحی است که با ناوگان جنگی تا همین میسر شود؟

روزنامه "پراودا" که از "صلح برای اقیانوس هند" سخن میگوید بر آنست که تهدید شوروی در این منطقه افسانه است و افسانهای ساخته محافل امپریالیستی و ارتجاعی. اگر چنین است آنگاه این سؤال پیش میاید که آخر رفتن آمد و چتسای و واحد از ناوگان جنگی شوروی میان ماداگاسکار و اندونزی چه مقصدی را دنبال میکنند؟ حضور طولانی ناوگان شوروی در بندر شیناگوک در بنگلادش چه منظوری است؟

کشورهای امپریالیستی همیشه برای آنکه مسابقه تسلیحاتی خود را به منظور تقسیم جهان و مناطق نفوذ پیشبندند حفظ صلح و امنیت بین المللی را بهانه قرار داده اند. دو ابر قدرت نیز امروز به همین مانور سالوسانه دست میزنند. آنها پیوسته به بودجه های جنگی خود می افزایند. تسلیحات خود را و از آنجمله سلاح اتمی و هستهای را تکمیل میکنند و ارتش خود را بر کشورهای دیگر ترمز میزنند. با ارتش خود کشور های دیگر را تهدید میکنند ولی همه اینها گویا بخاطر صلح صورت میگیرد و خلق ها باید دغدغه بخاطر راه ندهند و نیز "فرشتگان صلح" بر بالای سر آنها و در آبهای ساحلی آنها در روزهای آنها با محمولات اتمی و غیر اتمی مریکا خود در روزهاند.

اخیرا روین وینست های شوروی وجود پایگاه های شوروی را در اقیانوس هند تکذیب کردند. اما یک نگاه کلی به نقشه اقیانوس هند نشان میدهد که شوروی در این اقیانوس حضور استفاده از بنادری چند را برای خود تحصیل کرده و در جزایر یا بنادر دیگری تسهیلات بندری بدست آورده است. همین اواخر در جزیره مونس در جنوب این اقیانوس دست در میزدند که کشتی های نفت کش بمقصد اریا و آمریکا روانه درازا کلب اقتصادی و نظامی ارتسبیلات بندری تازه ای بر خورد از گردیده است. تبلیغات امپریالیسم و بیزه سوسیال امپریالیسم شوروی بطور مداوم این پند را واهی را بخند در صفحه ۳

ورشکستگی سببی برای کشف حقیقت

میگویند وقتی جنگجویان بایران لشکر کشید بسیاری از مردم بیگانه را از دم تیغ بیدریغ خویش و خشیانه گذراندند. در این نیشابز عشق به حیوانات نیز رسم نکرد و جان از هنر چینه بندی گرفت. مغولان امروزی و امپریالیستها بسیار خونخوار تر و وحشیانه تر از قبل عمل میکنند. کشور ما را محل ناخوشایند خود ساخته اند و تمام ضایع ثروت ما را به غارت میبرند. در روز ستم امپریالیستی ۳۱ میلیون جمعیت ایران بزرگ قدری ستم خیز است.

تمام غرضه های ثروت کشور ما مورد دستبرد امپریالیستها است و شاه حافظ منافع آنها. هر روزی که میگردد قسمتها بیشتری از این غارت در اثر حادثه یا واقعه ای نمایان و نمایان میگردد و دامنه ستمت این چپاولگری بر ملا میفتد.

روزنامه اطلاعات در ۲۸ بهمن ۵۲ نوشت: کارخانه گستر قورخانه گیلان ورشکست شد! و در توضیح بیشتر بر این مقاله اضافه نمود: این کارخانه که چندی پیش بنا سرمایه های معادل شصت میلیون ریال... آغاز به کار کرد. کشور قورخانه در ایران غنچه آری نادر و کسب را اشتیاقی در تناول آن نیست ولی با سرمایه منقلب ایرانی و خارجی کارها ای تا سپس میشود که تمام تولیداتش را در ستمور ناچیز کارگری ایرانی تهیه شده و در خارج بفروش میرسد. بر این گفته است که باید ما را به روزگار بزرگ تمدن برساند هیچ چیز جز پناه و ستم غارتگرانه امپریالیستی نام دیگری نمیتوان داد. سه سهامدار ایرانی - آلمانی و بلغاری جمع میشوند کارخانه ای تا سپس میکنند قورخانه های ایران را شامل مرام امپریالیستی میگردد. به استمار کارگر ایرانی همت میگویند و تمام تولید و تمام استفاده سرشار خود را از ایران خارج میکنند. این نوزاد است از تبهکار امپریالیستی بایران و ستمی شد رگسور سا. ولی وحدت نظر در غارت خلق ایران تنها منحصر به سه سهامدار ایرانی و آلمانی و بلغاری نیست. پادشاه و بلغارستان که سالها خون خلق بلغارستان را میکشد است نیز

جستجوی حقیقت از واقعیات

باید نه بر تصورات ذهنی، نه بر شور و شوق گذرانده و نه بر کلمات بیروح کتب بلکه بر واقعیات همانطور که بطور عینی وجود دارند. تکیه کنیم، در حقیقت به جمع بیدارک بپردازیم و در پرتو اصول مارکسیسم - لنینیسم نتایج صحیحی از آن استخراج کنیم. چنین روشی معنای جستجوی حقیقت از واقعیات است. چنین روشی چیز دیگری جز تجلی روح حسی و جز سیک کار مارکسیستی - لنینیستی که شعوری را برپا عمل پیوند میدهد نیست.

(ماتو تسه دون)

از کرامات «آموزش رایگان»!

محمدرضا شاه در اسفند ماه ۵۲ فرمانی جهت "رایگان ساختن آموزش در ایران صادر کرد". "رایگان" شدن آموزش همچون سایر کرامات این غلام خانه زاد امپریالیسم عوام فریبی بیش نبود. ناراضی عمومی از وضع غیر قابل تحمل تحصیلی در مدارس ایران شاه را هراسناک کرد. او عیولان فریاد آضا کرد تا بلکه بتواند بدینوسیله ناراضی عمومی خلق ایران را با اعلام "رایگان" شدن تحصیل تسکین بخشد. وزارت فرهنگ وظیفه انجام فرمان شاه را بر عهده گرفت. "بخشنامه ۳۰۰۰" آن وزارتخانه ماهیت فرمان ملوکانه را عیان کرد. انتشار این بخشنامه هدف شاه و وزیر ایران را مینویس بر تحکیم سیستم آموزش کهنی آشکارا بهمگان نشان داد. اقتضای "بخشنامه ۳۰۰۰" تا بدانجا دامن گستر که مطبوعا تجاوز نخواهد کرد.

کارشناسان

در حال حاضر در حدود ۱۵ هزار نفر خارجی در ایران مشغول کار هستند که اکثر در سمت کارشناس و متخصص فنی انجام وظیفه میکنند. آیا باین تعداد کارشناسان خارجی احتیاج هست و تحصیل کرده های ایرانی نمیتوانند افاقه قسمتی از وظائف را که آنها بعهده دارند انجام دهند؟ تحقیقات ما نشان میدهد که پاسخ این سؤال منفی است و به ایسین تعداد کارشناسان خارجی نیازی نیست. مطلق که خود کارشناسان خارجی نیز آنها را تأیید میکنند. چندی پیش فرصتی دستاد و با یکی از این کارشناسان آشنا شدیم و آنچه برای من جالب بود اینکه خود او اذعان کرد که بوجودش در ایران احتیاجی نیست و ایرانیانی را میبشاند که همان کار او را بهتر میتوانند انجام دهند و میگفت اکثر کارشناسان خارجی که او می شناسد در این باره نظر مشابهی دارند. از مطبوعات ایران

آمارهای رسمی میزان شهریه مدارس غیر دولتی را ما بین ۵۰۰ تا ۲۳۰۰ تومان نشان میدهد. با توجه به سطح بخشنامه این مدارس در سال آینده نیز همین شهریه را در پی خواهند داشت. در قاموس رژیم محمدرضا شاه افزایش نیایش شهریه مدارس به معنی "رایگان" شدن است و اما از آنجایی که گرانی و افزایش قیمت ها در ایران سیر صعودی می نماید شهریه مدارس مسلما نمیتواند در حد سال گذشته باقی بماند و فشار آن بازهم بیشتر بر روی توده مردم سنگینی خواهد نمود. بر طبق فرمان "رایگان" شدن آموزش سرمایه دارانی که مدارس غیر دولتی را اداره میکنند علاوه بر دریافت وجه از اولیا اطفال میانی هم از دولت دریافت میکنند. اینهم آن سربازی است که زحمتکاران ایرانی باید با پرداخت بیشترین مالیات چیران کنند.

در کار شهریه پول کتب درسی و پول تدوین زمان خار پول ناهار و انبوس باید از جانب اولیا اطفال تأدیگرند. در ضمن برای بالا رفتن سطح علمی بقیه در صفحه ۲

«زیب و زیور انسان بشوید و غسور و خور و بسندادی نیست، قوا وضع و قروقتی است» استمالین

پیروز باد مبارزه دلیرانه خلق های هندوچین